

جشن هندی و یک همت تانتیجه چاپهار

ایرج گلشنی - امروز سفارت هند، جمعی را دور هم جمع خواهد کرد تا غروب‌ی زیبا و شبی هم آوارقم بزند به مناسبت سالروز استقلال هندوستان. آق‌ای رودرا گاوراو شرس‌ست، سفیر جدید هند، میزبان است و ما آروز می‌کنیم که خاطرات خوبی مانند درامندرای دوست‌داشتنی، سفیر قبلی - را رقم بزند و همچنان گوشی برای شنیدن و زبانی برای گفتن داشته باشد که دیپلماسی چیزی بیش از این دو نیست.



سفیر جدید -مانند سفیر قبلی- باید بداند که از ۲۰۰۳ تا امروز، خیلی زمان گذشته است. از دادن فرصت، زیان بزرگی است برای هر دو کشور از دو جهت، هم از عایدات بندر چاپهار هر دو محروم شدند، هم رقیبا بیش از پیش جلو افتادند. کافی است چاپهار هند و ایران را با گوادر چین و پاکستان مقایسه کنیم. اصلا به هم نمی‌آیند. معلوم است که بیش از دو دهه دست روی دست گذاشتن، دچار قهر و آشتی شدن، امروز و فردا کردن و... نتیجه‌ای چیزی جز پیش تاختن رقیبا نخواهد داشت.

سیاست تجاری هند

آن‌طور که سفیر قبلی به ما گفت: «هند سیاستی دارد که در چارچوب آن، مسائل و تنش‌های سیاسی را با بحث‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در هم نمی‌آمیزد.» نکته جالبی است. تجارت کار خود می‌کند و سیاست کار خود. سیاست که به مناقشه رسید که معمول می‌رسد، تجارت آسیب‌ی نبیند. هندی‌های شگفت‌انگیز گویا این اندیشه را به کار بسته‌اند که به چهارمین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شده‌اند. اما در ایران، همه چیز تابع سیاست است. مثلا با تغییر رئیس یک دولت، سراسر دولتی‌ها منتظر تغییرات اتوبوسی هستند. با یک یا چند اتوبوس می‌آیند و با یک یا چند اتوبوس می‌روند. هنر عجیبی داریم در آمیختن سیاست و تجارت. یک رکش به چاپهار رسید و قهر و آشتی دو جانبه کار را به درازا کشید و من نمی‌دانم چه شد که سیاست جدایی سیاست از تجارت هندی‌ها، درست به چاپهار که رسید منفع‌جر شد؟!

یک همت تانتیجه

چاپهار طی این مدت طولانی، درست است که به رشد و توسعه دلخواه نرسیده است، اما چندان هم سلاکن و بی‌روح نبوده و اتفاق‌های خوبی در آن افتاده است. اما نگاه ما همیشه به ظرفیت‌هاست. یک رضازاده چند کیلو وزن نه می‌تواند بلند کند و حالا چند کیلو بلند کرده است؟! اگر رضازاده می‌تواند رکوردهای جهانی را بزند، چرا باید با وزنه‌های سبک خودش را سرگرم کند؟ با این مثال، تلاش کردم بگویم:

ظرفیت چاپهار بیش از این آمارهایی است که می‌گویند. واقعیت چاپهار بالاتر از مقایسه آمار این دولت با دولت گذشته است. این که ما از اکنون از دولت گذشته بر اساس آمار پیش افتاده‌ایم که نه هنر است و نه افتخار. باید خود را با مقصد مقایسه کرد. چقدر مانده برسیم؟ چقدر مانده به روبان خط پایان را پاره کنیم؟ چاپهار کی به ظرفیت‌های اسمی و بالای خود می‌رسد؟ این چیزی است که انتظار داریم سفیر جدید هند برای تحقق آن تلاش کند که هم به عایدات چاپهار برسیم و هم بیش از این از رقیبا جا نمانیم.

بدیهی است که تلاش جهادی و انگیزه قوی و پیگیری مفید مسئولان ایرانی جای خود را دارد؛ اما از سفیر جدید که تازه نفس است، انتظار فهرمانی داریم. روز تاریخی استقلال هندوستان مبارکتان باد. چه سفیر هند و چه هندی‌های دوست‌داشتنی که در ایران هستند. روز استقلال هند، در نوع خود نماد آزادی و استعمارستیزی است که برای همه آزادی‌خواهان و مردمان مستقل جهان، قابل احترام و تبریک است. هندی‌ها برای استقلال هزینه‌های مالی و جانی فراوان دادند و آزادی را به بهایی سسنگین به دست آوردند. بعد از آن، تلاش بزرگی کردند که این استقلال و آزادی را حفظ و صیانت کنند. امروز به عنوان چهارمین قدرت جهان، به استقلال خود ادای دین کرده‌اند. آرزوی به‌روزی برای هر دو ملت ریشه‌دار هند و ایران داریم؛ زیرا هر دو جشن استقلال‌ی دارند که مایه مباهات هر دو ملت است.



گروه اقتصاددریایی - امید اسماعیلی

- فرهنگ چیست؟ فرهنگ‌سازی کدام است؟ چرا رهبر انقلاب اسلامی این‌همه به فرهنگ تاکید می‌کند؟ چرا می‌گوید: فرهنگ آن قدر مهم است که من حاضرم جانم را برای آن بدهم! این مهم چیست و چگونه تحقق می‌یابد؟ علاوه بر تاکیدات رهبری معظم، سخن در این باره، بسیار گفته‌اند و البته کمتر عمل شده است. می‌توان ساعت‌ها در این باره سخن گفت و به پایان نرسید. اما در این نوشتار کوتاه، با گرایش همیشگی خود به دریا، چند نکته را به اشاره می‌گذریم:

فرهنگ دریایی

دریا هم مانند هر پدیده دیگر در جهان بشری، فرهنگ خاص خودش را دارد؛ زیرا ماهیت و خاصیت خاص خود و متفاوت با دیگر پدیده‌ها دارد. بنابراین، برای دریایی شدن باید قواعد دریایی بودن را دانست و آموخت. برای کویر نشینی، باید قواعد کویر را فهمید. برای آبارتمان نشینی باید فرهنگ خاص آبارتمان را دانست. هر حوزه‌ای در جهان هستی، موقعیت خاص خود و فرهنگ خاص خودش را دارد.

چرا فرهنگ گرایش به دریا ایرانی‌ها کم است؟

فرهنگ دریا هم فرهنگ خاص خودش است. از پوشش، ذائقه و غذا، طبیعت و زیبایی، خطر و ریسک و... اما آن چه اکنون در ایران ما رایج است، فرهنگ خشکی است. خشکی نشینی، خشکی پوشی، خشکی خوری، رانندگی در خشکی، تفریح در خشکی و... این است که فرهنگ فکری و رفتاری ما خشکی‌گراست. گرایش به خشکی داریم و از آب و دریا و زندگی در دریا-و تفریح در دریا و تردد در دریا و... چندان اطلاعی نداریم و به همین دلیل، برای گرایش به دریا چندان رغبتی نداریم. تادم ساحل می‌رویم و تفریحات متعدد ساحلی می‌کنیم، اما چیزی ما را نمی‌کشد ببرد تا عمق دریا. گرایش و کشش به سمت دریا نیست؛ این‌ها همان فرهنگ هستند. فرهنگ گرایش به دریا در ایرانی‌ها کم است.

چرا گرایش به دریا کم است؟

دو دلیل عمده و بزرگ دارد. اول، تلاش استعمار برای دور کردم مردم ایران از دریا. دشمنان ذاتی ایران زمین، طوری فرهنگ‌سازی کردند که ایرانیان از دریا بترسند و به دریا گرایش نداشته باشند. زیرا، ایرانیان با داشتن سه دریای اقتصادی (خزر- خلیج فارس و عمان) می‌توانند به بالاترین حد از درآمد و موفقیت برسند. ابتدا تلاش کردند که ایرانیان را از دریا محروم کنند و با تقسیم خاک ایران، به نحوی عمل کنند که مزیت دریایی ایران را بگیرند؛ کما این که هم اکنون هم همچنان همین ایده و آرزو را دارند. اما نتوانستند. بنابراین، از خربه فرهنگ استفاده کردند و موفق هم شدند. در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت. دلیل دیگر در ادامه همان تر استعماری، عدم گرایش فرهنگ سازان اصلی -مانند وزارت فرهنگ و سیمای جمهوری اسلامی- به فرهنگ‌سازی برای دریاست که سال‌هاست ادامه دارد و متأسفانه همچنان بی‌نگاهی و بی‌توجهی به دریا- در این دور کن فرهنگ‌ساز ادامه دارد. وزارت آموزش و پرورش در این رابطه که کامل کنار مانده است. هزاران انجمن و کانون فرهنگی از این فعالیت دور

هستند و به طور کلی، فرهنگ‌سازی برای بازگرداندن ایرانیان به سمت دریا نیست و یا بسیار ضعیف است.

بی‌توجهی ارکان دریایی کشور به فرهنگ اکنون، ارکان دریایی متعددی در کشور فعال هستند؛ اما متأسفانه آن‌ها هم درک و انگیزه کار فرهنگی ندارند. «کار فرهنگی کار ما نیست» این سخن یکی از مسئولان ارکان دریایی کشور که به صراحت به ما گفت و تاکید کرد. ما ناامید شدیم زیرا وقتی یک مسئول عالی در حوزه برنامه‌های راهبردی سازمان بنادر و دریانوردی با تندی و تاکید این سخن را به زبان می‌راند، دیگر چه باید کرد و چه باید گفت؟ ما بهتر از رونالدو را ول کنیم و غضنفر را بچسبیم. باعث حیرت و تعجب ما شد و همچنان حیرانیم که چگونه می‌توان ارکان مهم دریایی کشور را به این باور رساند که نه تنها کار فرهنگی و فرهنگ‌سازی لازمه توسعه است، بلکه این کار باید از خود آن‌ها شروع شود. اکنون چه می‌توان کرد وقتی یک مسئول عالی آن هم در موسسه تحقیقات راهبردی سازمان بنادر دارای چنین طرز فکری است و هر گونه طرح راهبردی فرهنگی را کنار می‌زند؟

انجمن‌های بخش خصوصی فریادرس فرهنگ دریایی

بی‌شک که طرز نگاه و نوع تفکر رئیس سازمان بنادر و دریانوردی مانند بخش راهبردی‌اش نیست. اما با روند کنونی مجبوریم به بخشش خصوصی امیدوار باشیم. انجمن‌های فعال و توانمندی که نگاه فرهنگی را درک کنند و بدانند که فرهنگ‌سازی، بن‌مایه موفقیت‌های بزرگ ما در همه حوزه‌ها- به خصوص

اقتصادسر آمد تحلیل می‌کند

فرهنگ دریا و فرهنگ‌سازی دریایی به چه معناست؟

چرا فرهنگ گرایش به دریا در ایرانی‌ها کم است

تبدیل می‌شود به ضد فرهنگ. اجازه بدهید چند مثال از سازه‌هایی که تبدیل می‌شوند به ضد فرهنگ بیاوریم. این سازه‌ها که اغلب هم از سر دل‌سوزی و عنایت به توسعه ساخته می‌شوند، گاهی جواب عکس می‌دهند. نمونه بزرگ و بارز آن در تهران، مسیرهای دو چرخه‌سواری است که در سراسر برخی خیابان‌های مهم کشیده شده‌اند؛ بی‌آن که حتا یک دو چرخه‌سوار از آن‌جا بگذرد! آن همه طراحی و تعمیر و بازسازی و رنگ و... نتیجه‌آش شده هیچ و حتا زیر هیچ. وقتی مردم این‌ها می‌کن‌ند که مثلا در طول بلوار کشاورز، این همه خط دو چرخه کشیده شده و دو چرخه‌سواری از آن استفاده نمی‌کند، از درون و برون ریشخند می‌کنند. این یک ضد فرهنگ، بدتر این که مسیر دو چرخه سواری تبدیل شده است به مسیر موتورسواری، آن هم معکوس! یعنی مسیری ایجاد کرده‌اند که ریشخند مردم و بازی موتورسواران را ایجاد کنند. به کناره بلوار طولانی میرداماد نگاه کنید. به مسیر دو چرخه سواری افسر به نگاه کنید. به مسیر دو چرخه سواری آمیرآباد نگاه کنید و... چقدر استفاده به اصل شده است؟

چنین اقدامی که فی‌نفسه خوب است، به دلیل عدم ایجاد زمینه فرهنگی مناسب، جواب عکس داده است. همین‌طور است اسکله‌های موسوم به اسکله‌های گردشگری. همین‌طور است کشتی‌های تفریحی و کروزهای گردشگری این‌ها نیز یا بلااستفاده مانده‌اند و یا به اموری غیر از فلسفه ذاتی خود می‌پردازند. کشتی‌های کروز نه برای گردشگری دریایی که برای تفریح و جشن و پایکوبی تبدیل شده‌اند تا در یک اقدام منفی و منفعل، تهدید به بگیر و ببند می‌خواهد مانع از تفریحات غیردریایی شود.

غیردریایی نیست، خیرشده به کناره‌های دریا، به جای «گردشگری دریایی» ترویج شده و برخی

نیازمند همت بخش خصوصی و کار گروهی است. رئیس سازمان شیلات در نشست خیری اوائل سال، وعده‌های برای ورود به فرهنگ‌سازی داد و خبر از یک جشنواره ماهی‌خوران در گلستان هم داد و آن جشنواره هم برگزار شد؛ اما می‌دانید و می‌دانیم که با یک گل بهار نمی‌شود. فرهنگ‌سازی نیازمند یک برنامه کلان ملی، گسترده و همه‌جانبه و مستمر است. این نگرش در شیلات هم ادامه نیافت و خبری از هیچ برنامه معین فرهنگی نبود و نیست.

در سائر ارکان هم وضعیت به همین منوال و روال مایوس‌کننده است. هیچ سازمانی در بخش دولتی، یک برنامه مشخص در راستای فرهنگ‌سازی نیست و با توجه به نوع نگاه مدیران راهبردی! آن‌ها، امیدی به آن‌ها نیست مگر این که روسای این ارکان مهم، شاه‌عباسی ریشی بچینانند و با درک عمیق موضوع، آستین همت بالا زده و همه از کان فرهنگی کشور را برای یک فعالیت بزرگ فرهنگی برای تغییر باورها و دریایی کردن نگاه‌ها به صف کنند.

در این مسیر، به نظر می‌رسد که بخش خصوصی باید

هندل کند و زمینه را آماده سازد. انجمن‌هایی مانند

انجمن مهندسی دریایی ایران، انجمن کشتیرانی

و خدمات وابسته ایران، انجمن تجارت دریایی و

سایت‌های وابسته به آن‌ها باید پای کارآمده و یک

برنامه مشترک را بیاغازند تا راه و نگاه دولتی‌ها را باز

کنند. ما ضمن اعلام آمادگی برای همفکری و ارائه

برنامه، در این باره به کرات سخن خواهیم گفت.

چگونه فرهنگ‌سازی نکنیم

«ضد فرهنگ» بسیار آسان‌تر از «فرهنگ‌سازی» است؛ زیرا در فرهنگ‌سازی باید کار کرد، برنامه‌داشت و با ظرافت و زیبایی آن برنامه را اجرا کرد. اما برای این که فرهنگ‌سازی نکنیم، کافی است که هیچ کاری نکنیم. چیزی که الان اغلب- و شاید تمامی- بخش‌های حوزه دریا دارند انجامش می‌دهند؛ یعنی هیچ کاری.



مسئولان هم به آن تاکید می‌کنند! این یعنی نادانی فرهنگی. یعنی نرفتن به سمت فرهنگ‌سازی و یعنی ایجاد زمینه‌های ضد فرهنگ. ماهی چینی قرمز را در تنگ‌ها می‌اندازند و به جای سنت «ماهی خوری شب عید ایرانی» جا می‌زنند و سیمای جمهوری اسلامی هم تبلیغش را می‌کند. در شبکه‌های ملی و سراسری، سفره هفت سین می‌چینند با تنگ ماهی قرمز! ترویج ضد فرهنگ. چو نیک نظر کرد، پر خویش در آن دید گفتاز که نالیم که از ماست که بر ماست

«ضد فرهنگ» زمانی ایجاد می‌شود که به رغم تمامی تلاش‌ها در توسعه فیزیکی، به توسعه فرهنگی توجه نکنیم. زمانی که افکار عمومی بی‌اعتنا بود و در گستره ملی برای ترویج فرهنگ تلاش نکنیم، هر کاری که انجام شود، یک جهش به ضد فرهنگ منجر می‌شود. به طور اساسی، فرهنگ زیربناست؛ اگر به بخش فرهنگ توجه کردیم، باقی سازه‌های ما معنا پیدا می‌کند و در غیر این صورت، همان سازه‌ها که با هزینه گزاف و تلاش زیاد حاصل شده است، خود

دریا- است. با چنین نگاهی است که می‌توان به آینده دریایی ایران امیدوار بود. اما این که دقیقا فرهنگ‌سازی در حوزه دریا چیست و جزئیات آن کدام است، جای بحث اختصاصی و مفصل دارد؛ ضمن این که باید متأسف بود که در این باره، منابع مکتوب و تحقیقات علمی خاصی در ایران وجود ندارد و این حاصل همان نگاه استعماری است که ایرانی باید از دریا دور بماند. اگر بخوایم طرز نگاه را عوض کنیم و مسئولان عالی ارکان دریایی را به سمت فرهنگ‌سازی گرایش دهیم،

اصلاحیه‌ای بر مطلب «وضعیت سکون برخی از انجمن‌های دریایی»



اشتباه، به جای عبارت «مجموعه یا هلدینگ کشتی‌داران» به مدیریت مهندس لوسانی، عبارت «اتحادیه مالکان کشتی» آمده که بدین وسیله تصحیح می‌شود، به همراه سیاس از روابط عمومی اتحادیه مالکان کشتی که با ذکر به موقع، موجب رفع نقصه شدند.

اتفاقاً، اتحادیه مالکان کشتی- به رغم موانع و حساسیت‌هایی ناشی از تحریم- برای آن‌ها وجود دارد، قائل به پاسخگویی به افکار عمومی و مرآوده با رسانه‌ها هستند و به زودی بخشی از گفت‌وشنود با دبیر کل این اتحادیه در روزنامه دریایی اقتصادسر آمد منتشر خواهد شد. آن چه در این فرصت می‌توانیم با افکار عمومی و مخاطبان فرهیخته خود در میان بگذاریم این است: «ما از اتحادیه مالکان کشتی به عنوان یک رکن بزرگ و راهبردی در «اقتصاد کشور و فرهنگ‌سازی دریایی» انتظار بالایی داریم. در اقتصاد کشور، فعالیت و وظیفه خود را به رغم تمامی محدودیت‌ها انجام داده است؛ اما امیدواریم پرچم حمایت این اتحادیه بر فراز کشتی فرهنگ و فرهنگ‌سازی دریا برافراشته شود و به رفیع مهم‌ترین نقص کشور ایران در حوزه دریا، یعنی جبران عقب‌ماندگی‌های فرهنگ دریایی مدد رساند.

امید متین - در ششماره ۱۷۰۷ مورخ ۲۱ مردادماه روزنامه دریایی اقتصادسر آمد مطلبی تحت عنوان «وضعیت سکون برخی از انجمن های دریایی» نگارش و منتشر شد که در آن به اشتباه از اتحادیه مالکان کشتی نام بردیم که صحیح نبوده و منظور اصلی نگارنده، مجموعه کشتی داران است که از نمایشگاه حمل و نقل و لجستیک وعده مصاحبه و گفت‌و شنود گذاشتند تا چندی پیش که در آخرین تماس به صراحت اعلام کردند که ما مصاحبه نمی‌کنیم! این که یک تشکل، مجموعه یا هلدینگ برای افکار عمومی ارزشی قائل نباشد، موضوع و موضع خود اوست؛ اما اگر به یک رسانه وعده مصاحبه می‌دهد و رسانه نیز بر اساس رسالت خود پیگیری می‌کند و امروز و فردای‌شان را تحمل می‌کند، و در آخر کار می‌گویند نه ما مصاحبه نمی‌کنیم!

نه تدبیر و تدبیر است، نه حرفه‌ای‌گری، بلکه ناشی‌گری محض در مرآوده با رسانه‌هاست؛ آن هم رسانه‌ای مانند «اقتصاد سرآمد» که تنها روزنامه دریایی کشور و نشریه نمونه دریایی سال معرفی شده است. من در آن نوشتار، مرتکب اشتباه شلدم که باعث عذر و پوزش ماست. در این